

## دانشوران معاصر ایران

### از نگاه اسناد

سیدعلی آل داود

اسنادی از مشاهیر ادب معاصر ایران، گردآوری و پژوهش: علی میرانصاری، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، جلد اول، ۱۳۷۶ ش، ۶۵۸ صفحه؛ جلد دوم، ۱۳۷۷ ش، ۵۰۳ صفحه؛ جلد سوم، ۱۳۷۸ ش، ۴۹۷ صفحه.

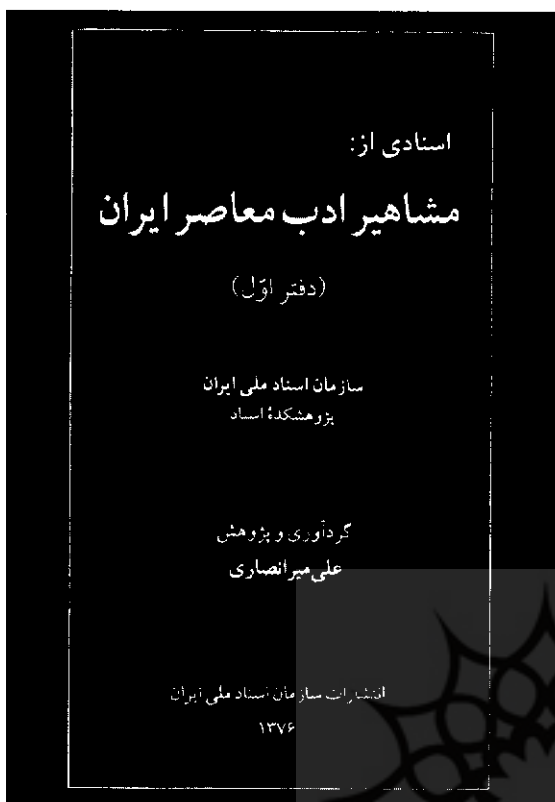
این کتاب مجموعه‌ای از اسناد و مدارک مربوط به شخصیت‌های ادبی و علمی صد سال اخیر ایران است که بر بنیاد اسناد موجود در سازمان اسناد ملی ایران و نیز مدارک موجود در سایر نهادهای دولتی و خانواده‌های این شخصیتها و به ویژه پرونده پرسنلی ایشان فراهم آمده و به شکلی منظم تدوین و ترتیب یافته است. بر پایه آنچه در این مجلدات گرد آمده، پژوهشگران می‌توانند زندگینامه مستندی برای هر یک از این شخصیتها تألیف کنند؛ جز آن، برخی روایات ناصحیح مربوط به این افراد، کمابیش در مقایسه با این مدارک از اشتباهات ره‌یافته در آنها پیراسته خواهد شد.

در باب ادیبان و شاعران معاصر ایران تا به حال کتابهای متعددی انتشار پیدا نکرده است و آنچه تاکنون به دست علاقه‌مندان رسیده معدودی کتب تذکره در احوال شاعران است و در آنها از زندگینامه ادیبان و دانشمندان دیگر خبری نیست. اثر برجسته و قابل توجه در این مقوله کتاب از نیما تا روزگار ما (جلد سوم از صبا تا نیما) است که در سالهای اخیر به طبع رسیده است و علی‌رغم کوشش فراوان مؤلف آن (مرحوم یحیی آرین‌پور) از پاره‌ای نقصانها خالی نیست. نخست آنکه از گزارش احوال بسیاری از ادیبان و نویسندگان صد سال اخیر که حوزه تألیف او بوده، بازمانده است. نکته گفتنی دیگر در باب آن، پاره‌ای نظرات خاص نویسنده است که همه ناشی از ارتباطات خاص او با معاصران است و به هر حال نوعی سبق ذهن در آن دیده می‌شود. از این رو، نقد مطالب و مندرجات مجلد مذکور ضروری به نظر می‌رسد. جز این کتاب و چند تذکره دیگر از جمله تذکره‌های سخنوران برقی، دینشاه ایرانی و محمداسحاق پاکستانی اثر دیگری در این زمینه پدید نیامده است. به این ترتیب

از سوی دیگر این بخش را برجسته‌ترین و سودمندترین بخش کتاب کرده است. کاش بخش مستقلی در باب مرجع‌شناسی عربی می‌آمد و چندوچون مصادر تازی راجع به ادب پهلوی جداگانه بررسی و ارزیابی می‌شد.

از دیگر مباحث کتاب منظومه‌ها و پاره‌های منظوم در آثار پهلوی و سایر زبانهای متروک ایرانی است که تشخیص و تحلیل آنها موضوعی بحث‌انگیز در تاریخ ادبیات ایران است؛ زیرا بسیاری متون بظاهر متنور در اصل به شعر بوده که با گذشت زمان دچار تصحیف و دستکاری نسخه‌نویسان گردیده و صورت اصیل خود را گم کرده است. مؤلف علاوه بر آنکه دو فصل کتاب را به اشعار پهلوی و مانوی اختصاص داده، در موارد خاص نیز به ویژگی نظم متون و کیفیت آن اعتنا داشته؛ از جمله وزن در یشتهای اوستا (ص ۳۸، ۶۰)، جاماسب‌نامه (ص ۱۷۴)، یادگار زریران (ص ۲۶۷)، صور خیال در منظومه درخت آسوری (ص ۲۵۸). به نظر وی یکی از علل ترک شعر هجایی (لا اقل در مقام شعر رسمی و مکتوب) آن است که شعر پهلوی با ساز و آواز خوانده می‌شد و بر اثر نزول ارزش موسیقی در عهد اسلامی این نوع شعر کم‌کم از رونق افتاد و جای خود را به اوزان عروضی سپرد (ص ۱۱۲، ۳۱۲).

فهرست مآخذ کتاب حاوی حدود ششصد فقره مآخذ مورد ارجاع در بدنه کتاب است و در دو قسمت «فارسی و عربی» و «زبانهای دیگر» با ترتیب الفبایی نام نویسندگان تنظیم گشته است. در بخش اخیر تقریباً ۳۲۰ مآخذ فهرست شده که ۶۰ درصد آنها به زبان انگلیسی، ۱۷ درصد فرانسه، ۱۷ درصد آلمانی و ۶ درصد روسی است. به اضافه یک کتاب ایتالیایی. این آمار تا اندازه‌ای بیانگر اهمیت هر یک از زبانهای یاد شده در مطالعه زبان و ادب ایران باستان است. دانشنامه ایرانیکا که از مراجع شاخص کتاب است، به نحو محسوسی کفه ترازوی زبان انگلیسی را سنگین کرده. یادآوری این نکته نیز لازم است که مؤلف به جای دست‌چین کردن مآخذ، به آسانی می‌توانست با افزودن صدها کتاب و مقاله به این فهرست، بر قطر کتاب خود بیفزاید. لیکن چنانکه رسم او بود اندازه را رعایت کرده و از آوردن مآخذ زاید خودداری نموده است، کما اینکه از مقاله‌های خارجی خویش به ذکر ۲۱ مقاله بسنده کرده است. البته در عرصه مآخذ فارسی دکتر تفضلی کوشیده تا هیچ‌یک از ترجمه‌های فارسی متون پهلوی از قلم نیفتد. این است که ترجمه‌های سره و ناسره بی‌هیچ تمایزی در کنار هم قرار گرفته‌اند. ظاهراً محدودیت دسترسی خواننده ایرانی به منابع معتبر در مد نظر آن استاد فقید بوده است. با وجود این، کتاب ارزش جهانی دارد و بجاست که هرچه زودتر به زبان انگلیسی ترجمه شود تا فایده آن همگانی گردد.



با تألیف و تدوین اثر فعلی یکی از منابع ارزنده در احوال مشاهیر معاصر ایران در اختیار اهل تحقیق قرار گرفته است.

از مجموعه مذکور تاکنون سه مجلد به طبع رسیده است و احتمالاً جمع آن به ده جلد خواهد رسید. در آغاز طرح مؤلف و ناشر تدوین مجموع این اطلاعات در چهار مجلد بوده که احوال پنجاه تن را در برمی گرفته است؛ لیکن به شرحی که در مقدمه های مجلدات دوم و سوم آمده است به تدریج بر دامنه و وسعت این پژوهش افزوده شده است. این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که اسناد و نوشته های مربوط به برخی کسان بسیار زیاد و خود به تنهایی یک مجلد مستقل را دربر می گیرد. چنانکه مجلد دوم به ملک الشعراء بهار و مجلد چهارم - که اکنون زیر چاپ است - به جمالزاده اختصاص دارد، و نکته گفتمنی آنکه در خصوص این افراد اسناد بیشتری در دست است که برای رعایت اختصار از آوردن تعدادی از آنها چشم پوشی شده است. مؤلف همتی به خرج داده و جدا از اسناد و مدارک و نوشته ها و تصاویر موجود در سازمان اسناد ملی به بایگانی اسناد برخی مؤسسات و سازمانهای دیگر چون نهاد ریاست جمهوری، کتابخانه های مجلس، کتابخانه مرکزی دانشگاه، اسناد موجود در دوائر دولتی چون وزارت پست و مخابرات و پلیس مراجعه کرده و مدارک خوب و ارزنده ای از آنها استخراج کرده و با نظمی خاص در کنار هم گذارده است. جز آن، بسیاری از مدارک و اسناد خانوادگی این دانشمندان را از کسان نزدیک آنها دریافت کرده و در اثر خود گنجانده است. این کوشش مؤلف از هر ارزنده و شایسته تحسین است. اهل پژوهش می دانند که جذب اعتماد این گونه افراد و اخذ مدارک و اسناد مهم از آنان نیازمند کوشش و ممارست فراوان و صرف وقت زیاد است. به این ترتیب مزایایی برای این مجلدات فراهم آمده که از هر روی قابل توجه است. از جمله باید به نشر نخستین بار برخی آثار از ادیبان طراز اول چون ملک الشعراء بهار و ایرج میرزا در این کتاب اشاره کرد. چند قطعه از ایرج و چند نوشته مفصل از ملک الشعراء اولین بار در اینجا به طبع رسیده است.

چنانکه اشاره شد، از این کتاب تاکنون سه مجلد منتشر شده است. جلد اول حاوی زندگینامه و آثار سیزده تن از مشاهیر ایران است و با مقدمه مفصل سرپرست سازمان اسناد ملی ایران آغاز می گردد. در این مقدمه، مطالبی درباره بزرگان اندیشه و هنر ایران در طی یکصد سال اخیر، سبکهای گوناگون ادبی و تحولات آنها ذکر شده و سپس به اجمال به معرفی پژوهشهایی که در این مقوله صورت گرفته پرداخته است. مقدمه دوم را مؤلف و گردآورنده اثر نگاشته و در ضمن آن محدوده کار و اسناد مورد استفاده را شناسایی کرده و در آنجا به درستی اشاره می کند که اسناد مندرج در این مجلدات تاکنون در جایی ارائه نشده است.

مجلد اول مشتمل بر سیزده بخش و هر بخش مختص احوال یکی از این بزرگان است که در پنج قسمت زیر بیان شده است: (۱) زندگی نامه؛ (۲) آثار؛ (۳) اسناد؛ (۴) منابع تحقیق؛ (۵) نمونه اسناد.

در اینجا به اختصار بخشهای مجلد اول معرفی می شود:

(۱) آزاد همدانی: وی از دانشمندان شهر همدان بود. بیشتر اسنادی که در باب او آمده مربوط به مجله الوند است که به مسئولیت وی در همدان انتشار پیدا کرده بود. نکته گفتمنی در باب آزاد آنکه در صفحه ۴ می آورد که دیوان آزاد تاکنون به چاپ نرسیده است و در صفحه بعد از دیوان چاپ شده او به اهتمام محمد آزاد و مقدمه کیوان سمیعی در سال ۱۳۲۶ ش خیر می دهد.

(۲) ادیب السلطنه سمیعی: از شخصیت های ادبی و سیاسی عهد رضاشاه و سالهای متوالی رئیس فرهنگستان ایران بود. با این همه، در ضمن شرح حال او از این سمت مهم وی یاد نشده است. نکته دیگر ذکر ایجاد شورای عالی معارف در پاورقی ص ۳۲ به دست امین السلطنه است؛ در حالی که می دانیم این شورا را امین الدوله صدر اعظم روشنفکر زمان مظفرالدین شاه بنیاد نهاد. نیز مؤلف کتابی به نام فرهنگنامه پارسی را که در سال ۱۳۱۹ انتشار پیدا کرد از آن فروزانفر دانسته است [در ص ۵۲ و به نقل از یادگار عمر عیسی صدیق] در حالی که این کتاب از آثار شادروان سعید نفیسی است و به چاپ مجدد هم نرسیده است.

غزل از طرف آقای مرحوم میرزا جلال الملک با دره بریده است او بزرگوار بود و غزل با کمال است

طرب نهد که در هر روز حد درگذرد  
 من دین زندگیت زنج آزرده شد  
 گر همه دین یکت سلمه کرده است  
 حیف از آن روز که یکت من استم بود  
 لطف بیست بود آنچه ز عمر تو گذشت  
 در نیمه شکر و ناله بر زبان آفر کار -  
 صفت در دور ضلالت بود از بهر دینت  
 دیوان ز در نیمه دین تو کس نیست  
 ز شریف گویند که بگذرد از سیم بید  
 اگر بجز هم ازین جنس دو پا در کار  
 در یکی ز در نیمه غمات بود ایوان  
 عنقریب است در عشق تو چون پیران  
 روح پیدا کند را با تو کجفا را کرد  
 آب جویان بکشد نیز چو ز سر گذرد  
 فدا گرامت نخورم در کمد گذرد  
 کاش که این عمر کرد تا به سبک گذرد  
 آه از آن م در بهت در دست گذرد  
 در آنچه باقی است یک خط در گذرد  
 چند خطی است که بر صفحه دفتر گذرد  
 آنچه یک عمر بردار و بگذرد  
 که بره تو گویم ز سر گذرد  
 ز خبر روزی که در گذرد  
 در زبان طرز نظام در بجز گذرد  
 که با این حد و اندازه و پیمبر گذرد  
 سیه رویان زند ابرج و در سر گذرد  
 در دین شرم از محض نرسد گذرد

غزلی از ابرج میرزا و نمونه خط او



سید اشرف گیلانی همراه با مأموران دارالمجانین (۱۳۱۰ ش)

مذکور پس از درگذشت فرزند شیخ المشایخ خبری در دست نیست. (۷) اقبال آشتیانی: اسناد و مدارکی که از عباس اقبال، مؤرخ دانشمند برجسته معاصر ایران در این جلد ارائه شده در باب حوادث گوناگون زندگی او از جمله دو سفر او به فرانسه در اوایل جوانی، مکاتبات وی و دوستانش با وزارت معارف و پاسخ این وزارتخانه است و البته ما را با نکات مهمی از زوایای زندگی این مرد دانشمند آشنا می‌سازد. از اسناد دیگر مربوط به او، مدارکی در خصوص دوران تدریس اقبال در دارالفنون و دارالمعلمین عالی و شرکت در جشن هزاره فردوسی است. نیز مقاله مهمی از اقبال درباره فردوسی نخستین بار در این جا به طبع رسیده است. بخش اقبال در این کتاب از جمله فصول مفصل آن است. مؤلف به پرونده اقبال در دانشکده ادبیات و کارگزینی دانشگاه تهران دسترسی داشته و اوراق متعددی از آنها را استخراج و درج کرده است. (۸) اسماعیل امیرخیزی: از رجال مشروطه خواه آذربایجان و از جمله فعالان سیاسی است که بعداً به مطالعات ادبی و تاریخی روی آورد و کتاب مهمی در باب نهضت مشروطه نگاشت. (۹) امیری فیروزکوهی: بیشتر اسناد ارائه شده مربوط به او را خاندانش به سازمان اسناد اهداء کرده‌اند. (۱۰) انجوی شیوازی: اطلاعات مربوط به او بیشتر اسنادی است در باب انتشار روزنامه آتشیار و فعالیت‌های انجوی در حزب توده و بالنسبه در مقایسه با سایر بخشها مختصر است.

(۳) ادیب‌الممالک فراهانی: در ذیل زندگی و نمونه اسناد او چند شعر بلند وی چاپ شده که برخی از آنها تاکنون در دواوین و مجموعه‌های شعر او مندرج نشده و به کلی تازه است، یا آنکه با اشعار چاپ شده در دیوان ادیب به کوشش وحید دستگردی تفاوت‌های عمده دارد.

(۴) سید اشرف گیلانی: مدیر نسیم شمال؛ همه مطالب این بخش به روزنامه او و سالهای پایانی زندگی که در تیمارستان تهران گذشت ارتباط مستقیم دارد.

(۵) پروین اعتصامی: در این بخش اسنادی در خصوص استخدام پروین در سمت کتابدار دانشسرای عالی و چند نامه پروین به دوستانش درج شده است که همه برای آگاهی از روحیات او مفید تواند بود.

(۶) یوسف اعتصامی: از جمله اسناد مربوط به او مدارکی در زمینه دوران خدمتش در کتابخانه سلطنتی است [از جمله اسناد صفحات ۲۰۰ تا ۲۰۳]. گفتنی است که اعتصام‌الملک پیش از شیخ المشایخ امیر معزی ریاست این کتابخانه را بر عهده داشت و در هنگام تحویل کتابها، فهرستی کامل [حدود ۷۰۰ برگ] از کتابها فراهم آمد که ذیل هر برگ را هر دو نفر امضا کردند. نویسنده این سطور سالها پیش نسخه این فهرست را نزد فرزند شیخ المشایخ امیر معزی رؤیت کرده است؛ این نسخه از هر جهت نشان دهنده عظمت کتابخانه و تعداد عظیم کتابها و اسناد آن است. از فهرست

۱۱) ایرج میرزا: در این بخش قطعاتی از ایرج و نامه‌ای از او درج شده که تاکنون اطلاعی از آنها در دست نبود و مؤلف آنها را از آرشیو ریاست جمهوری به دست آورده است.

۱۲) اسدالله ایزدگشسب: از شاعران عارف مسلک معاصر که در ۱۳۲۶ ش درگذشت. اسناد موجود درباره‌ی وی در خصوص چاپ آثار اوست.

۱۳) شیخ احمد بهار: صاحب امتیاز روزنامه‌ی بهار مشهد.

جلد اول با معرفی منابع و فهرست اعلام پایان می‌یابد.

مجلد دوم به طور کامل به اسناد و مدارک ملک‌الشعراى بهار اختصاص یافته است. این مدارک به چند دسته تقسیم شده و هر قسمت مختص به بخشی از دوران فعالیت‌های سیاسی و ادبی بهار است. بهار از جمله بزرگانی است که زندگی جنجالی و پرماجرایی داشت و بررسی سیر زندگانی و احوال او خواننده را با تحولات سیاسی و ادبی ایران معاصر آشنا می‌سازد. این مراحل براساس تقسیم‌بندی کتاب به این شرح است: ۱) دوره‌ی پیش از انقلاب مشروطه و سکونت در مشهد؛ ۲) آغاز فعالیت‌های مطبوعاتی؛ ۳) فعالیت‌های سیاسی؛ ۴) زندان و تبعید؛ ۵) فعالیت‌های فرهنگی؛ ۶) فعالیت‌های مطبوعاتی؛ ۷) وزارت و نمایندگی مجلس پانزدهم؛ ۸) بیماری؛ ۹) فعالیت‌های سیاسی اواخر زندگی؛ ۱۰) درگذشت در سال ۱۳۳۰ ش. در هر یک از این بخشها، اسناد تازه و خواندنی از تاریخ سیاسی این ادوار به چشم می‌خورد. بخش مهمی از آنها هدایی خانواده‌ی بهار است و نخستین بار است که انتشار پیدا می‌کند. این کتاب سه ضمیمه و پیوست دارد. ضمیمه اول: تاریخچه‌ی روزنامه‌ی نو بهار؛ ضمیمه دوم: تحلیلی از شرایط سیاسی-اجتماعی ایران در سالهای پایانی دوره‌ی قاجار نوشته‌ی سال ۱۳۳۴ ق؛ ضمیمه سوم: «چگونه بیمار شدم» از نوشته‌های بهار در سالهای پایانی زندگی او یعنی متعلق به سال ۱۳۲۵ ش است، و بیشتر شامل زندگینامه‌ی اوست. پیوست دوم نیز به قلم بهار است که آن را در دوران پادشاهی احمدشاه قاجار و آشفتگی اوضاع کشور نوشته است. در پایان این جلد تصاویر متعددی از بهار آمده است که برخی از آنها به تازگی انتشار یافته است. با اسناد و توجه به مندرجات اسناد این مجلد می‌توان زندگینامه‌ی مستند و دقیقی از ملک‌الشعراى فراهم آورد؛ گوآنکه مدارک مندرج در این دفتر بیشتر مربوط به فعالیت‌های علمی و فرهنگی بهار در بخش دوم زندگی اوست و از مبارزات سیاسی وی در عصر مشروطه، مهاجرت وی در معیت مهاجران به قم و کرمانشاه، شکستگی پایش در راه و ملاقات معروف او با نایب‌حسین کاشی و تشویق وی به پیوستن به ملیون مطلب چشمگیری در آن دیده نمی‌شود. با این وصف مجلد فعلی یکی از بهترین آثاری است که تاکنون راجع به ملک‌الشعراى بهار انتشار یافته است.

در مجلد سوم نیز احوال و زندگی چهار تن دیگر از بزرگان فرهنگ ایران بررسی شده است. طبعاً بسیاری از مطالب این بخش، به خصوص اسناد آن، به کلی جدید و قابل توجه است و می‌توان براساس آنها، زندگینامه‌ی اینان را به سبکی محققانه تنظیم کرد. این چهار بخش عبارتند از:

۱) احمد بهمنیار: استاد برجسته‌ی کرمانی زبان و ادب فارسی و عربی. او مدارج ادبی و علمی و دانشگاهی را از روزنامه‌نگاری در خراسان آغاز کرد و سپس به فعالیت‌های دانشگاهی پرداخت و سرانجام در ۱۳۳۴ ش درگذشت. در این بخش، گزارش مفصل زندگی بهمنیار به قلم خود او اولین بار انتشار یافته است.

۲) محمدریون گنابادی: او هم نخست روزنامه‌نگار و سیاست‌پیشه بود و بعد در خیل محققان و استادان درآمد. اسناد مربوط به دوران نمایندگی وی در مجلس، حمایت از حزب توده و حوادث آن سالها، عضویت او در سازمان لغت‌نامه‌ی دهخدا، عضویت در بنیاد فرهنگ ایران و همکاری با دکتر پرویز خانلری در کار تدارک فرهنگ تاریخی زبان فارسی در این فصل مندرج است.

۳) حسین پژمان بختیاری: شاعر کلاسیک برجسته‌ی معاصر. او عضو شرکت مخابرات بود و چند سال پیش از انقلاب درگذشت. گردآورنده با کوشش فراوان پرونده‌ی پرسنلی وی را در اداره‌ی مخابرات یافته و مدارک مهمی از آن استخراج کرده است.

۴) ابراهیم پورداود: پورداود استاد پرآوازه‌ی فرهنگ ایران باستان بود، و در این فصل اطلاعات تازه‌ای درباره‌ی ادواری از زندگی او ارائه شده و برخی تصاویر وی اولین بار منتشر شده است. انتشار این سلسله کتابها برای شناسایی شخصیت‌های علمی و فرهنگی معاصر ایران کاری است ارزنده و شروع آن را باید به فال نیک گرفت. سازمان اسناد ملی ایران از جمله مؤسساتی است که به طور اصولی و بنیادی در حیطة اختیارات و وظایف خود دست به کارهای اساسی و بنیادی زده، لیکن آنچه در معرض اطلاع عموم قرار گرفته، سلسله‌ی انتشارات منظم آن است که همه کمابیش به ارائه اسناد و مدارک موجود در گنجینه‌ی این سازمان اختصاص پیدا کرده است. مدارک و اسناد، پیش از انتشار به صورت موضوعی منظم شده و در کتابهای جداگانه انتشار یافته است، گوآنکه به نظر می‌رسد که گاه در برخی آثار منتشر شده، آگاهیهای لازم درخصوص شخصیتها ارائه نمی‌شود. لیکن آنچه مهم است انتشار منظم اسناد و مدارک موجود است. پس از آن محققان و مورخان می‌توانند ضمن ارزیابی به استفاده از آنها بپردازند. در سالهای اخیر، دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه نیز به انتشار منظم برخی اسناد موجود خود پرداخته است، اما با تأسف باید گفت که در آن کتابها مطلقاً به شناسایی شخصیتها و مدارک توجهی نشده است و خواننده صرفاً با اثری خام مواجه می‌شود.